

# در قلمرو سایه‌ها

جستارهایی در روان‌شناسی فرقه‌ها

احسان احمدی

سمیه شاه‌حسینی

www.ketab.ir

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور : احمدی خاوه، احسان، ۱۳۵۸ -  
در قلمرو سایه‌ها : جستارهایی در روان‌شناسی فرقه‌ها/ احسان احمدی،  
سمیه شاه‌حسینی.  
مشخصات نشر : تهران: نشر نارگل، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.؛ مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۸۶-۰-۴  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
یادداشت : ۲۰۵ - ۲۰۸ ص. : کتابنامه.  
موضوع : روان‌شناسی مذهبی  
موضوع : فرقه‌ها  
موضوع : فرقه‌ها -- جنبه‌های اجتماعی  
شناسه افزوده : شاه‌حسینی، سمیه، ۱۳۶۲ -  
رده بندی کنگره : BL۵۲/۳۴۱۳۹۴ :  
رده بندی دیویی : ۲۰۰/۱۹ :  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۹۱۸۸۸

## در قلمرو سایه‌ها

### جستارهایی در روان‌شناسی فرقه‌ها

احسان احمدی  
سمیه شاه‌حسینی

ناشر: نارگل

چاپ یکم: تابستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد: علی‌اصغر بهمن‌نیا

حروف‌چینی و آماده‌سازی: سمیه شاه‌حسینی

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤلفین محفوظ است.

مرکز پخش: وزامین، خیابان پانزده خرداد، کانون فرهنگی هنری ابوتراب مسجد امیرالمؤمنین(ع).

تلفن: ۰۹۳-۷۱۴۰۷۹۹

پست الکترونیکی: kelkesheida@yahoo.com

## فهرست مطالب

|                                                   |    |
|---------------------------------------------------|----|
| پیش درآمد.....                                    | ۱۳ |
| مقدمه.....                                        |    |
| فرقه یک ساختار روانی است یا یک نهاد اجتماعی؟..... | ۱۵ |

## فصل اول

|                                                            |    |
|------------------------------------------------------------|----|
| فرقه‌ها چیستند و چگونه شکل می‌گیرند؟.....                  | ۲۷ |
| تعریف فرقه.....                                            | ۲۷ |
| چرا مطالعه فرقه‌ها اهمیت دارد؟.....                        | ۴۰ |
| اقسام فرقه.....                                            | ۴۲ |
| مذهبی.....                                                 | ۴۳ |
| تجاری.....                                                 | ۴۴ |
| مشاورهای و خودیابوری.....                                  | ۴۴ |
| سیاسی.....                                                 | ۴۵ |
| فرقه‌های سری.....                                          | ۴۹ |
| علل شکل‌گیری فرقه‌ها.....                                  | ۵۲ |
| ۱. فرقه، حاصل فشارهای مذهبی و سیاسی حاکم بر جامعه.....     | ۵۴ |
| ۲. فرقه، حاصل فرصت‌طلبی و جاه‌طلبی برخی از فرقه‌سازان..... | ۵۶ |
| ۳. فرقه، حاصل هدف‌های سیاسی و استعماری.....                | ۵۷ |
| ۴. فرقه، نوعی پاسخ اشتباه اجتماعی به یک نیاز روانی.....    | ۵۸ |
| ۵. فرقه، حاصل مقاومت در برابر کلونی‌سازی اجتماعی.....      | ۶۰ |

- ۶۱.....فرقه، حاصل نوعی واکنش ضد اجتماعی
- ۶۲.....فرقه، حاصل پیوند تمدن‌ها
- ۶۳.....فرقه، حاصل افزایش شتاب تمدن‌ها
- ۶۴.....نسبت فرقه و پروتستانیزم دینی
- ۶۵.....چه کسانی جذب فرقه‌ها می‌شوند؟

## فصل دوم

- ۶۷.....اصول و مکانیسم‌های تفکر فرقه‌ای
- ۶۹.....کنترل ذهن
- ۷۶.....هدف وسیله را توجیه می‌کند
- ۷۷.....فقط باید به رهبر فرقه صداقت نشان داد
- ۷۸.....دنیا به دو گروه تقسیم شده: ما و آنها
- ۷۸.....تمام حقیقت در فرقه است (انحصارگرایی معرفتی)
- ۷۹.....فقط اهل فرقه رستگارانند (انحصارگرایی نجات)
- ۸۱.....رهبر فرقه استحقاق بهره‌مندی از همه‌ی مواهب را دارد
- ۸۲.....خوبی یا بدی افراد به دوری یا نزدیکی به رهبر فرقه بستگی دارد
- ۸۳.....به گوینده بنگر نه به گفته
- ۸۳.....شرایط تعیین‌کننده همه چیز است
- ۸۴.....تحت هر شرایطی دیگران مقصرند نه رهبر فرقه
- ۸۵.....تشویق برای یک نفر، تنبیه برای همه
- ۸۶.....نزدیکترین افراد در معرض بیشترین خطراند
- ۸۷.....همه خائن‌اند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود (نگاه امنیتی به همه)
- ۸۸.....همه یا هیچ
- ۸۹.....عدم هویت مستقل فردی
- ۸۹.....همه برای یک نفر
- ۹۰.....رازدایی از عالم (تقلیل مفاهیم متعالی به مصادیق جزئی)
- ۹۲.....نگاه ابزاری به انسان

## فصل سوم

- مکانیسم‌های نفوذ فرقه‌ها در شخصیت افراد ..... ۹۳
- دامن زدن به حس خودبزرگ‌بینی ..... ۹۳
- رازآمیزی رفتارها و تعالیم در فرقه ..... ۹۵
- سوء استفاده از شکست‌های روانی و اجتماعی افراد ..... ۹۶
- پایین نگه‌داشتن سطح اعتماد به نفس افراد ..... ۹۸
- سیاست با دست‌پیش کشیدن و با پا پس زدن ..... ۹۹
- تعلیم غیر مستقیم به افراد تازه وارد به وسیله نوع رفتار با اعضای قدیمی ..... ۹۹
- تحقیر و اعتراف‌گیری ..... ۱۰۱
- ایجاد عطش ..... ۱۰۲
- تحریک عواطف ..... ۱۰۳
- تحریک حس متفاوت بودن ..... ۱۰۴
- ریاکاری معنوی و زهدنمایی ..... ۱۰۴
- استفاده از روش جای پا باز کردن ..... ۱۰۵
- به مرگ گرفتن تا به تب راضی شدن ..... ۱۰۶

## فصل چهارم

- تغییر شیوه زندگی افراد پس از ورود به فرقه ..... ۱۰۷
- قطع یا محدود سازی روابط با بیرون از فرقه ..... ۱۰۷
- تشخص فرقه‌ای ..... ۱۱۱
- محدودسازی دریافت اطلاعات از خارج از فرقه ..... ۱۱۲
- تقسیم دنیا به ما و آنها ..... ۱۱۳
- تمامیت‌خواهی و جزم در برابر تعالیم فرقه ..... ۱۱۴
- تغییر در جهان‌بینی اعضای فرقه ..... ۱۱۵
- تغییر در ارزش‌های اخلاقی اعضای فرقه ..... ۱۱۶

## فصل پنجم

- مکانیسم‌های تداوم حضور اعضا در فرقه ..... ۱۱۷

|     |                                                      |
|-----|------------------------------------------------------|
| ۱۱۷ | ارباب .....                                          |
| ۱۱۹ | القای حس چهل در اعضا .....                           |
| ۱۱۹ | تحقیر، تمسخر .....                                   |
| ۱۲۰ | بایکوت .....                                         |
| ۱۲۲ | شرطی سازی اعضای فرقه بر اساس سیستم محرک و پاسخ ..... |
| ۱۲۳ | مشغول سازی دائمی افراد فرقه .....                    |
| ۱۲۴ | طبقه بندی اعضا به مقربان و غیر مقربان .....          |
| ۱۲۵ | ایجاد فضای امنیتی درون فرقه .....                    |
| ۱۲۶ | تقویت حس خودمقصربینی در اعضای فرقه .....             |
| ۱۲۶ | با کسی که از فرقه بریده نباید ارتباط گرفت .....      |

### فصل ششم

|     |                                            |
|-----|--------------------------------------------|
| ۱۲۹ | ویژگی های رهبران فرقه ها .....             |
| ۱۲۹ | بلندپروازی غیر واقع بینانه .....           |
| ۱۳۰ | خیال پردازی و توهم .....                   |
| ۱۳۱ | خودانتصابی بودن رهبران فرقه ها .....       |
| ۱۳۲ | وجوه کاریزماتیک رهبران فرقه ها .....       |
| ۱۳۶ | عدم تناسب بضاعت علمی و معنوی با مدعا ..... |
| ۱۳۶ | مدیریت بالا و توان سازماندهی .....         |
| ۱۳۷ | خستگی ناپذیری و پشت کار .....              |
| ۱۳۸ | نقد ناپذیری و استبداد .....                |
| ۱۳۹ | چارچوب ناپذیری .....                       |

### فصل هفتم

|     |                                  |
|-----|----------------------------------|
| ۱۴۱ | علل جذابیت فرقه ها .....         |
| ۱۴۱ | مقاوت بودن و غیر رسمی بودن ..... |
| ۱۴۳ | توهم آزادی از قیود .....         |
| ۱۴۴ | باطن گرایی و رازآلودگی .....     |

فرقه‌ها به شما احساس امنیت می‌دهند ..... ۱۴۵

## فصل هشتم

ویژگی‌های ساختاری فرقه‌ها ..... ۱۴۷

ساختار هرمی ..... ۱۴۷

تاویل گرایی شدید یا نص‌گرایی افراطی ..... ۱۵۱

لايه‌لايه بودن ..... ۱۵۲

پیروی از اصل رازداری ..... ۱۵۲

مبهم بودن اهداف ..... ۱۵۴

فقدان یا ضعف شدید اخلاقیات ..... ۱۵۵

الهیات و جهان‌بینی مبتنی بر ادراک شخصی ..... ۱۵۵

ساختار تقلیدگرایانه ..... ۱۵۶

## فصل نهم

سیستم‌های فرقه‌ای چه خطراتی دارند؟ ..... ۱۵۷

الف. خطرات فرقه برای فرد ..... ۱۵۷

محو هویت شخصی افراد در جهت نیل به هویت جمعی ..... ۱۵۷

محو هویت جمعی فرقه در جهت تثبیت شخصیت رهبر فرقه ..... ۱۵۸

تعطیل منطق افراد ..... ۱۵۹

اتلاف عمر افراد ..... ۱۶۲

اتلاف پول افراد ..... ۱۶۵

ایجاد محدودیت‌های اجتماعی ..... ۱۶۵

ایجاد آسیب‌های روانی به افراد ..... ۱۶۷

ب. خطرات فرقه‌ها برای جامعه ..... ۱۷۴

جلوگیری از شکل‌گیری یک هویت اجتماعی واحد ..... ۱۷۴

جذب نخبگان جامعه و استخدام استعداد آنها به نفع فرقه ..... ۱۷۵

ظرفیت بالقوه‌ی ایجاد اخلاص‌های اجتماعی و امنیتی ..... ۱۷۵

نگهداشتن منابع مالی، فکری و اجتماعی در یک نقطه کوچک ..... ۱۷۵

|     |       |                     |
|-----|-------|---------------------|
| ۱۷۶ | ..... | تزلزل کانون خانواده |
|-----|-------|---------------------|

## فصل دهم

|     |       |                                          |
|-----|-------|------------------------------------------|
| ۱۷۹ | ..... | روش‌های دفاع روانی در مقابله با فرقه‌ها  |
| ۱۸۰ | ..... | تقویت خودآگاهی شخصی و جبران حس تحقیرشدگی |
| ۱۸۲ | ..... | تقویت بنیان‌های خانواده                  |
| ۱۸۲ | ..... | تقویت معرفت دینی                         |
| ۱۸۳ | ..... | ارتقای سطح دانش معنوی                    |
| ۱۸۴ | ..... | خود انتقادی و مراقبه روزانه اعمال        |
| ۱۸۵ | ..... | پاکیزگی اخلاقی و تقوای رفتاری            |
| ۱۸۵ | ..... | یافتن ملاک‌های عملی برای تعلیم فرقه      |

## فصل یازدهم

|     |       |                                                          |
|-----|-------|----------------------------------------------------------|
| ۱۸۷ | ..... | زندگی پس از فرقه                                         |
| ۱۹۱ | ..... | فائق آمدن بر ترس خروج از فرقه                            |
| ۱۹۴ | ..... | فائق آمدن بر احساس غبن و زیان                            |
| ۱۹۷ | ..... | غلبه بر افسردگی                                          |
| ۱۹۹ | ..... | شرکت در جلسات مشاوره، بهبود و بازیابی توان و تعادل روانی |
| ۲۰۰ | ..... | تغییر دوستان و محیط و کاهش ارتباطات با محیط قبلی         |
| ۲۰۱ | ..... | فعالیت‌های فرهنگی و هنری                                 |
| ۲۰۲ | ..... | ادامه‌ی تحصیل                                            |
| ۲۰۲ | ..... | از گناه متنفر باش نه از گناهکار                          |
| ۲۰۳ | ..... | آشتی با خدا                                              |

|     |       |             |
|-----|-------|-------------|
| ۲۰۵ | ..... | فهرست منابع |
|-----|-------|-------------|



## پیش در آمد

حتماً داستان مشهور لباس پادشاه را شنیده یا خوانده‌اید، یا اگر هم سن و سال ما باشید کارتون آن را دیده‌اید؛ دو نفر شاید به قصد کلاهبرداری به سراغ پادشاه می‌روند و به او می‌گویند خیاط‌اند و قادرند لباسی جادویی برایش بدوزند که در تمام دنیا فقط او داشته باشد. خلاصه آنقدر از محاسن و اثرات لباس برای پادشاه تعریف کردند تا او را متقاعد کنند که لباس را بدوزند. مدتها گذشت و این دو نفر پول کلانی از پادشاه بابت دوختن لباس جادویی گرفتند. پادشاه هر روز با کنجکاوی بسیار به سراغ آنها در کارگاهشان می‌رفت تا شاهد پیشرفت کار باشد. اما با کمال تعجب می‌دید که آن دو نفر فقط مشغول خورد و نوش و استراحت هستند و خبری از لباس نیست. بالاخره کاسه صبر پادشاه لبریز شد و روزی فریاد برآورد که «لباس من کجاست؟» آن دو نفر نیز در کمال زرنگی، طوری که خود پادشاه هم بیشتر تحریک شود آهسته در گوشش گفتند: «قربان مگر قبلاً به شما نگفته بودیم؟!»

پادشاه با تعجبی مضاعف گفت: «نه! چه چیزی را؟!»

گفتند: «قربان! این لباس را افراد حرامزاده نمی‌توانند ببینند. فقط کسانی می‌توانند این لباس جادویی را ببینند که حلال‌زاده باشند.» پادشاه که دوزاری‌اش افتاده بود از ترس آبرویش سکوت کرد و راهش را کشید و رفت. روز جشن، پادشاه ساده‌دل به خیال اینکه لباسی جادویی بر تن دارد لخت و عریان در منظر اهالی شهر ظاهر شد. اما از ترس «حرامزادگی!» کسی را

یارای آن نبود که دم بر آورد و بر برهنگی پادشاه بخندد. تا آنکه کودکی شوخ و بازیگوش بر این همه حماقت و ساده‌لوحی شورید و فریادی از سر خلوص کودکی برآورد که: «چرا پادشاه لخت است؟» و با این نخستین جرقه، انفجار خنده و تمسخری بود که پادشاه را به هوا فرستاد. جمعیت که تا آن لحظه از ترس، دم بر نمی‌آوردند به خود جرات دادند و به وضع موجود خندیدند.

سال‌ها از نوشتن این داستان می‌گذرد اما هنوز هم کسانی در سراسر دنیا پیدا می‌شوند که وعده لباس‌هایی جادویی، دنیایی ماورایی، ثروتی کلان و دانشی رمزی را به ساده لوحان می‌دهند؛ بی‌آنکه صلاحیتی داشته باشند و یا حتی بتوانند به بخشی از وعده‌های خود عمل کنند.

آنها همچون دو خیاط داستان لباس پادشاه، علاوه بر آنکه زبانی چرب و فریبنده دارند که به راحتی مردم را فریب می‌دهد از یک حربه مهم دیگر نیز برای ساکت کردن معترضان و منتقدان استفاده می‌کنند، تهدیدی که حق هرگونه اعتراض را از معترضان می‌ستاند و آنها از ترس حرامزاده شدن تن به فریب بیشتر و بیشتر این خیاطان جادویی می‌دهند. این داستان تمام آن چیزی است که ما در مورد فرقه‌ها می‌خواهیم بگوییم: آمیزه‌ای از فریب، تهدید، دروغ و خیانت.

## مقدمه

### فرقه یک ساختار روانی است یا یک نهاد اجتماعی؟

فرقه‌ها<sup>۱</sup> به عنوان یکی از شکل‌های زندگی اجتماعی انسان، همواره با پیچیدگی‌ها و رازآمیزی‌های خاص خود همراه بوده‌اند. بسته بودن فضای فرقه‌ها و عدم شفافیت در اطلاعات و عقاید آنها موجب می‌شود تا ناظران بیرونی هرگز به کنه عقاید و تعالیم یک فرقه پی نبرند و حداکثر گزارشی رتوش شده از آراء فرقه‌ها را بدست بیاورند. تنها منبع نسبتاً موثق در این باب، گزارش‌های جداشدگان از فرقه‌هاست که البته اعتبار این گزارش‌ها از جانب برخی از پژوهشگران حوزه‌ی فرقه‌ها مورد تردید واقع شده است.<sup>۲</sup> در برخی

<sup>۱</sup> Cults.

<sup>۲</sup> نقش اعضای بریده از فرقه‌ها، به شکل گسترده‌ای توسط محققان علوم اجتماعی بررسی شده است. برخی از پژوهشگران بر روایی و اعتبار گزارش‌های آنها خدشه وارد نموده، معتقدند انگیزه‌های آنان، نقشی که آن‌ها در جنبش ضد فرقه بازی می‌کنند، اعتبار شهادتشان، و انواع روایتی که آن‌ها بیان می‌کنند همگی مورد مناقشه بوده‌اند. برخی از محققان همچون دیوید جی بروملی، انسون شیوپ و برایان آر ویلسون اعتبار شهادتی را که اعضای سابق و متقدمان کنونی این گروه‌ها بیان می‌کنند، زیر سوال برده است. ویلسون به بحث درباره داستان قساوت می‌پردازد که شخص جدا شده از گروه این داستان را تمرین و تکرار می‌کند تا توضیح دهد که چگونه از طریق دستکاری ذهن، اجبار و فریبکاری او به استخدام گروهی درآمد که اکنون آن را محکوم می‌کند. استوارت ای رایت به بررسی تفاوت بین شخص جدا شده روایتگر و نقش شخص مرتد می‌پردازد با این ادعا که اولی از الگویی قابل پیش‌بینی پیروی می‌کند که در آن او روایتی از دوران اسارتش را با تأکید بر وقوع دستکاری ذهن، به دام افتادن و قربانی

موارد نیز اعضای جدا شده چنان ترسی از مجازات رئیس و اعضای فرقه به جان دارند که ترجیح می‌دهند سکوت کنند تا چیزی بگویند و یا دوست ندارد گذشته‌ی خود را که در حقیقت همان تاریخ و انحرافات فرقه است برای شخص دیگری فاش کنند. دانش روان‌شناسی نوین، هم به مثابه علم مطالعه رفتار و هم در مقام دانشی که در شکل سنتی خود رویکردهای فلسفی را نیز در بطن خود داشته است می‌تواند کمک موثری به شناخت لایه‌های پنهان‌تر و ناگفته‌تر فرقه‌ها بنماید.

در کشور ما بررسی فرقه‌ها عموماً معطوف به نقد و مطالعه فرقه‌ها از حیث کلامی و اعتقادی آنهاست و در کمتر اثری به بررسی وجوه روانشناسانه پیدا و پنهان در رفتارها و مکانسیم‌ها و آموزه‌های فرقه‌ها پرداخته شده است.

فرقه‌شناسی یکی از حوزه‌های مطالعات ادیان و مذاهب محسوب شده و ناظر بر مطالعه علل پیدایش و نحوه شکل‌گیری، ادامه حیات و احیاناً افول انشعابات فرعی از شاخه اصلی در ادیان گوناگون بوده است و به همین جهت نیز این انشعابات به فرقه - به مفهوم پدیده‌ای متفرق شده - موسوم شدند. اما حدوداً از دهه ۱۹۶۰ میلادی به این سو، حوزه مطالعات ادیان و فرق با پدیده قابل توجه دیگری نیز روبرو شد که اگر چه پدیده‌ای تازه و جدیدالتأسیس

---

شیوه‌های شیطانی فرقه‌ای شدن بیان می‌کند. این گونه روایت‌گران روایت خود را سرپایه‌ای از مضمون گروگان نجات پیدا کرده قرار می‌دهند که در آن فرقه‌ها با اردوگاه‌های اسیران جنگی شبه‌سازی می‌شوند و برنامه شست‌وشوی مغزی آنها به مثابه تلاش‌های قهرمانانه برای نجات، استوارت رایت همچنین مرزی بین جدا شده‌ها و مرتد‌ها ترسیم می‌کند با این ادعا که فارغ از اعتباری که متون عمومی و رسانه‌های زرد به داستان‌های نجات اعضای سابق فرقه‌ها می‌دهند، مطالعات تجربی و مشاهدات عینی نشان می‌دهد که جدانشدگان از جنبش‌های نوپدید دینی عموماً واکنش‌های هوادارانه، دلسوزانه و با حداقل ترکیبی از این دو را نسبت به گروه سابق خود نشان می‌دهند. رک:

Wright, Stuart. A. "Exploring Factors that Shape the Apostate Role". in Bromley, David. G. (Ed) "the Politics of Religious Apostasy". 1998. pp. 95-114. Praeger Publishers. And Wilson, Bryan. R. "Apostates and New Religious Movements". Oxford, England. 1994.

نبود اما رشد قارچ گونه و انبوه این پدیده، در طول تاریخ ادیان و فرق بی نظیر بوده و تنها در دوره معاصر چنین حجمی از چنین پدیده‌ای قابل مشاهده است. این پدیده‌ها که به جنبش‌های نوپدید دینی یا عرفان‌های نوظهور شهرت یافتند در پی کشف یا بر ساختن قسمی از دینداری هستند که در آن عوامل اختلاف‌زا به حداقل رسیده و مشترکات به‌طور حداکثری مورد توجه قرار بگیرند. جنس و ماهیت این معنویت‌های نوپدید با فرقه‌هایی که پیشتر از بدنه اصلی ادیان منشعب می‌شدند دو تفاوت عمده دارد؛ اول آنکه این معنویت‌های نوپدید بر بایه‌ی جهان‌بینی‌ای عاری از شریعت یا دست‌کم، شریعت بسیار خفیف بنا شده‌اند و از سوی دیگر وجود نوعی ساختار فرقه‌ای حاکم بر روابط میان اعضا و رهبران آنها محققان این حوزه را مجبور به دسته‌بندی جدیدی در ماهیت این معنویت‌ها نموده است که در مقابل فرقه‌های سنتی‌ای که در زبان انگلیسی به sect<sup>۱</sup> ترجمه شده‌اند این عرفان‌های نوظهور به cult موسوم شده‌اند.<sup>۲</sup> در این تحقیق هر جا سخن از فرقه به میان می‌آید منظورمان ترجمه دوم از فرقه (cult) است. این کیش‌ها یا فرقه‌ها گاه به نام جنبش‌های معنوی نوظهور<sup>۳</sup> (جمن) نیز نامیده می‌شوند.

البته یک نکته مهم که در اغلب پژوهش‌های مربوط به فرقه‌ها مغفول واقع شده است آن است که این ساختار فرقه‌ای، تنها محدود به عرفان‌های نوظهور هم نیست. هرگاه راجع به فرقه سخن می‌گوییم منظورمان بیشتر معطوف به یک ساختار است تا یک نهاد. فرقه صرفاً نهادی اجتماعی نیست بلکه نوعی ساختار فکری و روانی است که می‌تواند در قالب یک نهاد هم به ظهور رسد.

<sup>۱</sup> سکت‌ها همان مفهومی هستند که ما در زبان فارسی از آنها به «مذهب» اطلاق می‌کنیم. مذاهب شاخه‌ها و انشعاباتی فرعی از بدنه یک دین اصلی به شمار می‌روند. مبنای اختلافات مذهبی بر اساس اصول کلامی و تفسیرهای مختلف از متون مقدس ادیان شکل می‌گیرد.

<sup>۲</sup> در برخی از منابع این کلمه به معنای کیش نیز ترجمه شده است.

منطق و تفکر فرقه‌ای برای به وجود آمدن الزاماً متکی به وجود نهاد نیست چون یک ساختار روانی است اما برای بروز و ظهورش از ابزار نهادهای اجتماعی استفاده می‌کند. در این تحقیق می‌کوشیم به این جنبه ساختاری از فرقه‌ها بپردازیم و ابعاد کلامی و ساختارهای اعتقادی معنویت‌های نوپدید مورد نظر این پژوهش نیستند. تفکر فرقه‌ای می‌تواند از کوچک‌ترین نهاد اجتماعی - یعنی خانواده - برای رشد و گسترش طولی و عرضی خود در جامعه بهره ببرد؛ مانند مافیای سیسیل که در اصل یک تشکل خانوادگی است و یا از بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی - یعنی دولت - برای پیشبرد هدف‌هایش بهره‌مند شود؛ مانند نازیسم و صهیونیسم که ساختاری فرقه‌ای دارند.

بنابراین در تعریف فرقه باید ابتدا متوجه این نکته باشیم که با یک ساختار روانی طرفیم نه صرفاً با یک نهاد اجتماعی. به عبارت بهتر، فرقه پیش و بیش از آنکه یک نهاد اجتماعی باشد یک ساختار روانی است. این ساختار چنانچه در جهت منافع سودجویانه و تجاری مورد استفاده قرار بگیرد فرقه‌ای تجاری و اقتصادی شکل خواهد گرفت؛ مانند شرکت‌های هرمی یا گلدکوئیستی. چنانچه امور امنیتی و تروریسم را در خدمت منافع خود قرار دهد، تبدیل به فرقه‌ای تروریستی خواهد شد؛ مانند القاعده و مجاهدین خلق. و به همین ترتیب برای نیل به هدف‌هایش در هر قالبی قرار بگیرد رنگ و فرم آن قالب را به خود می‌گیرد اما ماهیت روان‌شناختی آن تغییر نمی‌کند. حتی شاید بتوانیم در بیان بلندپروازانه بگوییم که این تفکر فرقه‌ای است که از مسایل مختلف برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کند و هر قالبی را که به استخدام خود در آورد آن قالب را مطابق ساختار روانی خود تغییر می‌دهد و استحاله می‌کند. یک فرقه مذهبی اگرچه از متن و بطن دین جا افتاده‌ای برای رشد خود بهره می‌گیرد اما در کوتاه‌مدت تمام آموزه‌های دین پایه را به نفع خود طوری جعل و استحاله می‌نماید که آن تعالیم وقتی در فرقه مورد استفاده قرار می‌گیرند دیگر آن معنای

اصلی و اصیل خود را ندارند بلکه مطابق با تفسیر فرقه از آن کلیدواژه، قرائتی جدید به دست می‌آید که معمولاً با نسخه اصلی تفاوت‌های زیادی نیز دارد و جالب‌تر آنکه این قرائت‌ها، عموماً قرائت اصیل و حقائق واقع نیز پنداشته می‌شوند.

فرقه‌ها برخلاف مذاهب (sects) که نوعاً متکی به طبقه اجتماعی و اقتصادی و تعداد افرادند، کمتر به این عناصر متکی‌اند. یک سکت مذهبی عموماً - در نسل پیشرو - از تعداد اندکی افراد متعلق به طبقات پایین‌دست جامعه که می‌پندارند مورد ستم قرار گرفته‌اند و یا قرائت رسمی از دین را نمی‌پذیرند شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup> اما فرقه‌ها یا کالت‌ها دام خود را در همه‌جا پهن نموده‌اند. نه سن، نه جنسیت، نه طبقه اجتماعی، نه رتبه اقتصادی و نه سطح سواد هیچ یک برای فرقه‌ها حد و مرزی به حساب نمی‌آیند.<sup>۲</sup> هر فردی به محض آنکه بتواند روی پا خود بایستد، سخن بگوید، اسلحه حمل کند و خلاصه کوچکترین ابراز وجودی داشته باشد می‌تواند در استخدام فرقه‌ها درآید. استارک<sup>۳</sup> و بین‌بریج<sup>۴</sup> استدلال کرده‌اند که مذاهب معمولاً از دل گروه‌های مذهبی موجود سر بر می‌آورند و کم‌کم شکل مذهب جدیدی به خود می‌گیرند. اختلاف و چند دستگی از راه نهضت‌هایی که ما آنها بازآورنده یا دگرگون‌کننده و انقلابی نامیده‌ایم باعث پیدایش مذاهب می‌شوند. از این رو مذاهب ذاتاً نهضت‌های مذهبی معترض‌اند. اما از سوی دیگر فرقه‌ها یا کیش‌ها

۱ هیلتون، ملکم، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثلاثی، ۱۳۸۷، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ۲۶۵.

۲ سینگر، مارتا، *فرقه‌ها در میان ما*، ترجمه ابراهیم خداینده، ۱۳۸۸، ج اول، دانشگاه اصفهان، صص ۵ و ۸۸.

۳ Rodney Stark.

۴ William Bainbridge.

فاقد پیوستگی با پیکره‌های مذهبی پیشین‌اند و بیشتر جنبه نوظهور دارند و اغلب زیر سایه یک رهبر کاریزماتیک جای می‌گیرند.

فرقه‌ها شکل‌های نوینی از دین به شمار می‌روند که طبعاً با گروه‌های مذهبی پایدار (نظیر ادیان و مذاهب نهادینه) و با فرهنگ میزبان دچار تنش می‌شوند.<sup>۱</sup> برای هر کس در هر مرتبه از دانش و سواد و جنسیت و طبقه اجتماعی که باشد درون فرقه‌ها جایی برای ماندن و ایفاء نقش وجود دارد. از خردترین وظایف جاری تا بالاترین مراحل اجرایی. البته این نکته را نباید از ذهن دور نگاه داشت که افراد هر چه در سطوح عالی‌تری از سواد، ثروت و منزلت اجتماعی باشند برای رشد و گسترش اجتماعی سیاسی فرقه، بیشتر به کار می‌آیند اما هرگز نباید تصور شود که چنانچه فردی با یک منزلت اجتماعی و یا اقتصادی بالا در فرقه‌ای عضو شود می‌تواند در رهبری فرقه مشارکت داشته باشد؛ هرگز. تمام افراد از بالاترین تا پایین‌ترین، در خدمت عقاید و فرمان‌های یک نفرند و شما هر قدر هم که پول، سواد یا شغل اجتماعی مناسبی داشته باشید نباید تصور کنید که می‌توانید با رهبر فرقه در امر رهبری شریک شوید. البته ممکن است به اقتضای جایگاه شما نقش‌هایی برای شما بنویسند تا بتوانند بازی بهتری از شما بگیرند اما این کار هم صرفاً برای بهره‌برداری بیشتر و بهتر از شماست نه به جهت احترام به شایستگی‌های شما.

ممکن است یک نهاد اجتماعی مانند یک سکت مذهبی را بنیاید که ساختار فرقه‌ای داشته باشد، یا یک گروه از جنبش‌های نوپدید دینی و یا حتی یک گروه سنتی از درویشان و صوفیان که ممکن است ساختار فرقه‌ای در مناسبات آنها سریان یافته باشد. اما الزاماً نمی‌توان گفت که جنبش‌های نوپدید دینی یا تصوف سنتی همگی به صورت فرقه‌ای اداره می‌شوند. ممکن است حتی یک

<sup>۱</sup> اسپیلکا و دیگران، روان‌شناسی و دین بر اساس رویکرد تجربی، ترجمه محمد دهقان، چاپ اول ۱۳۹۰، انتشارات رشد، تهران، ص ۵۴۴.



مدرسه علوم دینی یا دانشگاه علوم جدید و یا حتی یک خانواده را بیابید که به صورت فرقه‌ای اداره می‌شود زیرا بر خلاف سکت‌ها (مذاهب) که می‌توانند در نقش یک نهاد اجتماعی ظاهر شوند. فرقه یک ساختار روانی است نه یک نهاد اجتماعی. به همین سبب در این بررسی نیز به وجوه روان‌شناختی موجود در مکانیسم‌های رفتاری، جذب و تداوم بخشی فرقه‌ها نیز خواهیم پرداخت.

اگرچه روش‌ها و مکانیسم‌های ذکر شده در این پژوهش را نباید به همه فرقه‌ها تعمیم داد اما باید دقت نمود که غالب فرقه‌ها بیشتر این روش‌ها و مکانیسم‌های یاد شده در این تحقیق را دارا هستند و در برخی از موارد فقط شدت و ضعف موارد یاد شده است که موجب تفاوت در میان فرقه‌ها می‌شود نه ماهیت رفتار و مکانیسم‌های عملکرد آنها.

ماهیت روان‌شناختی فرقه‌ها ایجاب می‌کند که پژوهشگر حوزه فرقه‌ها، موازی با - و یا حتی قبل از - وجوه سیاسی اجتماعی و کلامی این پدیده، نگاه ویژه‌ای به وجوه روان‌شناختی این مساله نیز داشته باشد.

فرقه‌ها هم محصول یک رشته آسیب‌های روانی‌اند و هم علت موجهه و زمینه رشد و گسترش آسیب‌های روانی‌اند. اصول و مکانیسم‌های تفکر فرقه‌ای به نوبه خود به انواعی از آسیب‌های روانی مبتلاست و متقابلاً مولد و تشدید کننده بسیاری از آسیب‌های روانی در اعضا و هواداران خود نیز می‌گردد. توجیه وسیله به بهانه هدف متعالی، خط‌کشی دوگانه دنیا به ما و آنها، انحصارگرایی مفرط در باب حقانیت و نجات و ناامنی روانی دائمی منبث از مناسبات بیمار فرقه‌ای که همواره اعضا را تهدید می‌کند خود موجب شکل‌گیری و گسترش بیماری‌ها و آسیب‌های روانی در اعضای فرقه‌ها می‌شود.

فرقه‌ها همچنین برای جذب افراد نیازمندند تا از شیوه‌های اعمال نفوذ در ذهن و شخصیت افراد بهره ببرند، شیوه‌هایی که طیف وسیعی از روش‌های

روان‌شناسانه را شامل می‌شوند. مهم‌ترین و معروف‌ترین این روش‌ها به روش مغزشویی مشهور شده است اما روش‌های دیگری نیز وجود دارند که در تعامل با شست‌وشوی مغزی‌اند و فقدان این روش‌ها عملیات مغزشویی را ناتمام می‌گذارد.

پس از جذب در فرقه‌ها افراد به‌طور محسوس و غلو شده‌ای دچار تغییرات رفتاری، روانی و شخصیتی می‌گردند. به طوری که کسانی که افراد جذب شده را از قبل می‌شناخته‌اند به راحتی متوجه این تغییر ناگهانی، عمیق و پر قدرت می‌شوند. این تحولات شخصیتی تقریباً تمامی وجوه زندگی افراد جذب شده را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، یعنی از نوع پوشش، نحوه غذا خوردن و رژیم غذایی، رفتار جنسی گرفته تا نوع نوشتار، انتخاب رنگ و تغییر در نوع ارتباطات و پیوندها را شامل می‌شود.

اما صرفاً جذب افراد به فرقه‌ها نقطه پایانی ماجرا نیست. فرقه‌ها افراد را جذب می‌کنند تا از آنها بهره‌برداری نمایند و بنابراین لازم است که به هر شکل ممکن افراد در فرقه بمانند و حضوری مداوم همراه با ایمان و اعتقاد داشته باشند. در اینجا نیز شیوه‌های روان‌شناختی با مهارت هر چه تمام‌تر مورد استفاده رهبران فرقه‌ها قرار می‌گیرند. برای مجاب‌سازی و پایبند نمودن اعضا در فرقه، روش‌های مختلفی وجود دارد که از نرم‌ترین و مخملی‌ترین روش‌ها تا سخت‌ترین و چدنی‌ترین رفتارها را در برمی‌گیرد. استفاده از جاذبه‌هایی مانند ازدواج درون فرقه‌ای و استحکام پیوندهای خانوادگی بر اساس آموزه‌های فرقه و یا اعطای پست‌های اجرایی و عملیاتی برای ارضای حس جاه‌طلبی افراد تا متوسل شدن به روش‌های خشونت‌آمیز مانند تحقیر، تهدید، بایکوت، حبس و یا حتی حذف فیزیکی در بسیاری از فرقه‌ها از شیوه‌های معمول برای پایبندسازی اعضا در فرقه شمرده می‌شوند.

فرقه‌ها برای آنکه بتوانند جذب کنند باید جذاب باشند و به همین دلیل هم از مکانیسم‌های جذابیت‌زا در ساختار و رفتار فرقه‌ای استفاده می‌کنند. مهم‌ترین عامل جذابیت فرقه‌ها را شاید بتوان در متفاوت بودن آنها دانست. فرقه‌ها با سوء استفاده از این تمایل ذاتی انسان به متفاوت بودن و یا تجربه امور متفاوت و گریز از یکنواختی و تکرار، خود را تافته‌ای جدا بافته از جامعه می‌نمایانند و بهشتی موعود را به اعضای خود وعده می‌دهند که هرگز وجود خارجی ندارد. ویژگی‌های ساختاری فرقه‌ها نیز به نوبه خود، جالب و قابل توجه است. فرقه‌ها در چند ویژگی با هم مشترک‌اند و همین ویژگی‌هاست که موجب می‌شوند ما میان فرقه‌ها و تشکل‌های اجتماعی غیر فرقه‌ای تمایز قائل شویم. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ساختار هرمی در فرقه، شخص محوری به جای قانون محوری، جزمی‌اندیشی و انحصارگرایی، استفاده از روش‌های شست‌وشوی مغزی و انحصار و نظارت در ورود و خروج اطلاعات از جمله این ویژگی‌هاست.

خطرات بالقوه و بالفعل فرقه‌ها نیز محدود به افراد نمی‌شوند. فرقه‌ها خطرات بالقوه‌ای هم در رابطه با افراد و هم در رابطه با جامعه به وجود می‌آورند که همین امر باعث می‌شود آنها را دست کم نگیریم و متوجه زیان‌هایشان در دراز مدت بر روی فرد و جامعه باشیم.

فرقه‌ها هم در سطح بنیادگذاران و هم در سطح اعضا، متشکل از افرادی هستند که مورد هجوم آسیب‌های روانی گوناگونی قرار گرفته‌اند و تنها تفاوت میان اعضا و رهبران فرقه‌ها را شاید بتوان در تیپ‌های شخصیتی آنان جستجو کرد. اعضای فرقه‌ها غالباً شخصیتی پذیرنده، منفعل و قربانی دارند که آماده دریافت و اجرای فرمان‌ها هستند و در مقابل، رهبران فرقه‌ها غالباً دارای شخصیتی اقتدارگرا، تمامیت‌خواه و فرمانده‌اند. در کنار هم قرار گرفتن این دو تیپ شخصیتی، ساختاری کامل اما بیمار را شکل می‌دهد که هر دو طرف این

ساختار را راضی نگه می‌دارد و تا وقتی که هر یک از طرفین در ساختار شخصیتی خود باقی بماند چرخه رفتاری فرقه به قوت خود باقی خواهد بود. اما به محض آنکه یکی از طرفین - که غالباً اعضای فرقه‌اند - از طبقه و تیپ شخصیتی خود فاصله بگیرد تعارضات و تنش‌ها بروز خواهد نمود. اما این طور نیست که فرقه‌ها شکست‌ناپذیر و نفوذناپذیر باشند. فرقه‌ها هم مثل هر ساختار دیگری نقاط ضعف خاص خود را دارند. بنابراین کسانی که در فرقه‌ها گرفتار می‌شوند با کمی جسارت و امید می‌توانند خود را نجات دهند. برای نیل به این آزادی نیز مکانیسم‌های روانی و رفتاری مختلفی را در بخش دهم پیشنهاد کرده‌ایم.

اما جدا شدن از گروهی که عده‌ای سالها عمر خود را در آن سپری نموده‌اند و تمام آمال و آرزوهای خود را به پای آن خرج کرده‌اند یقیناً کار آسانی نخواهد بود. علاوه بر رنج جدا شدن از فرقه، رنج دیگری نیز تا مدتی بعد از جدایی، جداشدگان از فرقه را مورد تهاجم قرار خواهد داد. اما به هر حال به دست آوردن آزادی هزینه‌هایی دارد که باید پرداخت.

جدا شدن از فرقه دست کمی از ترک اعتیاد ندارد. همانطور که جسم و روان یک معتاد سال‌ها با مواد مخدر خو گرفته و بهترین لحظات زندگی خود را در کنار این ماده، تجربه کرده است، یک عضو فرقه هم به نوعی اعتیاد روانی به رفتارها و آموزه‌های فرقه‌ای مبتلا شده است که برای خلاصی از آنها چاره‌ای جز تحمل درد ترک این اعتیاد ذهنی - که به مراتب دردناک‌تر از اعتیاد جسمی است - ندارد. برخی از این روش‌های ترک اعتیاد فرقه‌ای را در واپسین بخش با هم مرور خواهیم کرد.

بحث درباره فرقه‌ها در سایر کشورها و خصوصاً آمریکا - به جهت فعالیت چشمگیر فرقه‌ها در آنجا - از دهه ۱۹۷۰ به این سو بحثی روشمند و علمی شده است. معذک این بحث در ایران هنوز جایگاه علمی و پژوهشی مورد نیاز

خود را نیافته و بیشتر در قالب کلامی و با نگاه امنیتی با این حوزه اجتماعی روانی مواجهه صورت می‌پذیرد. همانطور که می‌دانیم در ایران به‌طور سنتی، گروه‌های معتقد به تصوف از قرن‌ها پیش فعالیت داشته‌اند و در سده‌های اخیر روند فعالیت برخی از این «گروه‌های عرفانی»<sup>۱</sup> به سمت تبدیل به «فرقه‌های عرفانی»<sup>۲</sup> تحول یافته است. بنابراین احتمال عضویت و قرار گرفتن افراد در ایران در این گونه فرقه‌ها بسیار بیشتر است. سایر فرقه‌های نوظهور نیز گرچه فشارهای قانونی مانع از فعالیت گسترده آنان می‌شود کمابیش به صورت زیرزمینی و مخفی به جذب و تبلیغ و ترویج تعالیم خود در کشور مشغول‌اند. مهم‌ترین اثر موجود به زبان فارسی که به بررسی موضوع فرقه‌ها از جنبه روان شناختی می‌پردازد کتاب «فرقه‌ها در میان ما» اثر مارگارت تالر سینگر است.<sup>۳</sup> فرقه‌ها در میان ما، اگر چه ممکن است در نوع خود اولین و شاید بهترین و تخصصی‌ترین کتابی باشد که در زبان فارسی به موضوع فرقه‌ها می‌پردازد اما دارای دو نقص اساسی است؛ یکی آنکه مباحث مطرح شده در کتاب از نظم و توالی منطقی و کامل برخوردار نیستند و به اطلاعاتی که خواننده درباره فرقه‌ها می‌خواهد به‌طور پراکنده و تحت عناوین مختلف پرداخته شده است، ثانیاً با توجه به این‌که در ایران برای فعالیت‌های فرقه‌ها محدودیت‌های قانونی و شرعی بسیاری وجود دارند ممکن است مخاطب ایرانی رابطه چندانی با برخی از فقرات و شواهد کتاب برقرار ننماید.

سایر کتاب‌هایی که در باب بررسی فرقه‌ها نوشته شده‌اند نیز، غالباً بیش از آنکه به نقد و بررسی روش‌ها و مکانیسم‌های جذب و تأثیرگذاری و نگهداری اعضا بپردازد به نمادشناسی و بررسی کلامی و یا به بررسی تعالیم خود فرقه‌ها

1 Mystical groups.

2 Mystical cults.

<sup>۳</sup> این کتاب با ترجمه ابراهیم خداینده توسط انتشارات دانشگاه اصفهان منتشر شده است.

پرداخته‌اند و از ساختار فکری و بررسی تفکر فرقه‌ای غفلت ورزیده‌اند که اگرچه در جای خود لازم‌اند اما کافی نیستند. برخی از این آثار نیز غالباً فاقد وجهت علمی‌اند و بیشتر به «شب‌نامه‌های سیاسی اجتماعی» شباهت دارند تا به کتابی در رد و نقد یک مکتب یا نظریه. بر همین اساس، در این کتاب کوشیده‌ایم تا ضمن استفاده از تجربه‌ها و دریافت‌های علمی و تجربی سایر مؤلفان و محققان این حوزه، نقایص مطرح شده را نداشته یا کمتر داشته باشیم. در این پژوهش، تلاش شده است تا ساختار، مبانی فکری و مکانیسم‌های تفکر فرقه‌ای، مورد تحلیل و بررسی روان‌شناختی قرار گیرد. بسیاری از مطالب مورد استفاده در این پژوهش، حاصل ترجمه منابع دست اول انگلیسی است که شامل مقالات، کتب و مطالب سایت‌های مرتبط می‌باشد.

در پایان، مراتب قدردانی و سپاس خود را از رفیق شفیق و برادر ارجمند جناب آقای علیرضا تاجیک‌اسماعیلی، مسئول محترم کانون فرهنگی هنری ابوتراب مسجد امیرالمومنین (ع) ورامین، که در چاپ و انتشار این کتاب نقش به‌سزایی داشتند ابراز می‌نماییم.

احسان احمدی - سمیه شاه‌حسینی

بهار ۱۳۹۴